



او که از بالا می‌آید، بالای همه است و آنکه از زمین است زمینی است و از زمین تکلم می‌کند؛ اما او که از آسمان می‌آید، بالای همه است. و آنچه را دید و شنید، به آن شهادت می‌دهد و هیچ کس شهادت او را قبول نمی‌کند. و کسی که شهادت او را قبول کرد، مهر کرده است بر اینکه خدا راست است. زیرا آن کسی را که خدا فرستاد، به کلام خدا تکلم می‌نماید، چونکه خدا روح را بی اندازه عطا می‌کند.

انجیل یوحنا ۳: ۳۱-۳۴



در طرز نگارش یوحنا اینطور به نظر می‌رسد که او در آیات ۱۶ تا ۲۱ سعی می‌کند تفسیری از مکالمه عیسی مسیح و نیکودیموس در آیات ۱ تا ۱۵ ارائه دهد. بسیاری از دانشمندان معتقدند که همین ترتیب نیز در مورد آیات ۳۱ تا ۳۶ صدق می‌کند. در واقع یوحنا با هدایت روح القدس سعی می‌کند تا توضیح بیشتری در مورد آیات ۲۲ تا ۳۰ بیان کند و نقاط قابل تأمل آن را بازتاب دهد. با توجه به این نوع سبک نگارش باید گفت یوحنا بر اساس آیه ۳۰ از دلیل کاهش یافتن نقش یحیای تعمید دهنده و افزایش توجهات به عیسی صحبت می‌کند (۳۱-۳۶). در ادامه خواهیم دید که دلیل پررنگ شدن مسیح این نیست که هر دو انسان هستند و عیسی تنها جایگاهی بالاتر از یحیای تعمید دهنده دارد هرچند مقام و نقش او به عنوان مسیح خداوند بالاتر از یحیی به عنوان پیشرو مسیح بود. عیسی می‌بایست در نگاه دیگران بزرگ می‌شد چون او خداوند مجسم شده در لباس انسان بود.

آیه ۳۱ را در نظر بگیرید، آیه شخصی از «زمین» را با شخصی که از «آسمان» می‌آید در مقام مقایسه قرار می‌دهد. در اینجا «از زمین»، به انسان اشاره دارد و منظور این است که او از حضور خداوند نیامده است. توجه داشته باشیم که صرفاً انسان بودن، اشتباه یا بد نیست بلکه امتیازی بزرگ است چون انسان‌ها تنها موجوداتی هستند که به شباهت خداوند آفریده شده‌اند (پیدایش ۱: ۲۶-۲۷). با این وجود انسان‌ها نیز مثل سایر مخلوقات دارای محدودیت هستند. یحیای تعمید دهنده نیز علی‌رغم اینکه از جانب خداوند به مقام نبوت منصوب شده بود اما در آنچه می‌دانست و می‌توانست اعلام کند محدود بود. این محدودیت برای همه انسان‌ها وجود دارد.

این محدودیت برای عیسی، همان شخصی که از بالا می‌آید صدق نمی‌کند. بله، عیسی مسیح دارای طبیعت کامل انسان ولی بدون محدودیت‌های گناه‌آلود او بود. او به عنوان خدای مجسم شده در بدن انسانی، دارای ذاتی الهی نیز بود. مسیح اصالتاً آسمانی است و از محضر

خداوند آمده است. آنچه مسیح آشکار می‌کند تنها اظهاراتی نیست که از خداوند دریافت کرده باشد تا بخواهد به دیگران انتقال دهد. آنچه عیسی در موردش صحبت می‌کند موضوعاتی است که خودش به عنوان شخصیت دوم تثلیث دیده و شنیده است (آیه ۳۲). او به عنوان شخصیت دوم تثلیث، روح خدا را بدون هیچگونه محدودیتی دارا است (آیه ۳۴). همه انبیا تا حد مشخصی از روح القدس پر می‌شدند و هیچ یک از آنها روح را به صورت کامل در خود نداشت. عیسی به اندازه روح القدس دارای الوهیت و ذات خداوندی است و هیچ چیز از او پنهان نیست ولی هیچ یک از انبیا چنین مزیتی نداشتند و همه چیز را نمی‌دانستند. آنها مجبور بودند برای و درک بهتر مسائل الهیاتی زحمت بکشند و با این حال نیز متوجه همه چیز نمی‌شدند (اول پطرس ۱: ۱۰ - ۱۲).

جان کلون می‌گوید: «تا زمانی که آموزه‌های عیسای مسیح را به عنوان تعالیم الهی قبول نکنیم نمی‌توانیم آنطور که شایسته است آنها را تصدیق کنیم». بسیاری از مردم به عیسی همچون یک معلم حکیم می‌نگرند اما این طرز فکری شایسته نیست. او خداوند است و از سوی خداوند می‌آید تا سخنان خداوند را بیان کند. عدم اطاعت از عیسی به مفهوم اطاعت نکردن از خداوند است، بنابراین بیاید در هر لحظه از زندگی در پی اطاعت کردن از نجات دهنده خودمان باشیم.

 پدر آسمانی، شکر می‌کنم که به واسطه کلامت راهی را فراهم ساختی تا انسان بتواند بیشتر تو را بشناسد. خداوندا، ایمان دارم که عیسای مسیح فرزند ازلی تو است. ای پدر کمکم کن تا همچون انبیا هرچند به صورت کامل توانایی درک کلامت را ندارم اما بتوانم معرفت و شناخت تو را به دیگران انتقال دهم. آمین!

اقتباسی از لیونر مینیستری (Ligonier ministry)